

## بررسی تطبیقی نقش مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی از منظر شهیدان بهشتی و مطهری

علی رحمانی<sup>\*۱</sup>

قاسم نورانی<sup>۲</sup>

عباس کشاورز شگری<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** دغدغه اصلی ما این است که با گذشت بیش از ۴۰ سال از عمر انقلاب اسلامی هنوز از سوی هیچ نهاد یا فرد مشخصی به مقایسه اندیشه‌های نظریه‌پردازان اصلی انقلاب اسلامی در خصوص ماهیت چرایی و چگونگی این انقلاب پرداخته نشده است. چنین رویکردی این توانایی را دارد که با نگاهی واقع‌گرایانه به تبیین علل چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی بپردازد؛ همچنین نقش برخی عوامل تبعی مانند روحانیت، تحزب و رهبری را در فرآیند این انقلاب برجسته سازد. با توجه به این خلاء موجود در پژوهش‌های مربوط به انقلاب اسلامی سؤال اساسی این است که شباهت‌ها و تفاوت‌های مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید بهشتی و شهید مطهری چیست؟

**روش‌شناسی پژوهش:** بنابراین در این مقاله با استفاده از روش پژوهش مقایسه‌ای و فیش‌برداری از منابع مختلف و مصاحبه با کارشناسان برجسته انقلاب اسلامی سعی شده تا دیدگاه‌های شهیدان بهشتی و مطهری در خصوص انقلاب اسلامی تبیین شود.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اندیشه‌های شهید بهشتی و شهید مطهری در خصوص عناصر دخیل در پیروزی انقلاب اسلامی نظیر رهبری تشکیلات و مردم از خط سیر واحدی پیروی ننموده و علی‌رغم وجود تشابهات در پاره‌ای موارد در برخی وجوه دارای تفاوت‌هایی نیز هست.

**نتیجه‌گیری:** این نتیجه حاصل شده است که ظاهراً با توجه به این که شهیدان بهشتی و مطهری از شاگردان امام خمینی (ره) بودند دیدگاهشان در مورد مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند انقلاب شامل نقش رهبری، امت و مکتب است و احتمالاً دیدگاهشان تفاوتی با هم ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** انقلاب اسلامی، شهید بهشتی، شهید مطهری، تحزب، روحانیت.

**Email:** ali.rahmani1324@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی  
دانشگاه شاهد تهران. (نویسنده مسئول)

**Email:** ghasem2noorani@chmail.ir

۲- دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی  
دانشگاه شاهد شهر تهران.

**Email:** keshavarz@shahed.ac.ir

۳- استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد تهران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

## مقدمه

واضح است که کمتر انقلابی می‌تواند با ایجاد تغییرات بنیادین در عرصه سیاسی-اجتماعی زندگی انسان‌ها در تاریخ ردپایی ماندگار از خود برجای بگذارد در این میان انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) در کنار انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب ۱۷۸۹م فرانسه از جایگاه ویژه‌ای دارد. تأکید انقلاب اسلامی بر عنصر فرهنگ و تلاش آن برای ترکیب جمهوریت و اسلامیت بر بستری از تشیع انقلابی ماهیتی متفاوت از سایر انقلاب‌های جهان به آن می‌دهد. در این میان آنچه از دید پژوهشگران انقلاب اسلامی مغفول مانده بررسی چرایی و چگونگی وقوع انقلاب از منظر نزدیک‌ترین یاران امام خمینی(ره) است. متفکران شهید آیت‌الله مطهری و آیت‌الله دکتر بهشتی به دلیل تلاش برای تئوریزه کردن انقلاب اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بنابراین در این مقاله، نگارندگان به دنبال آن هستند تا با بررسی تطبیقی مؤلفه‌های ایدئولوژی، رهبری، تحزب و مردم در اندیشه سیاسی این دو بزرگ، پاسخگوی این پرسش باشند که شباهت‌ها و تفاوت‌های مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید بهشتی و شهید مطهری چیست؟ که به نظر می‌رسد، در مجموع نقاط تطابق نسبت به نقاط افتراق به دلیل اعتقاد راسخ این دو متفکر بر ماهیت اسلامی انقلاب در وقوع، بیشتر باشد. این پژوهش از دو جنبه حائز نوآوری است نخست؛ توجه به مقایسه اندیشه متفکران اولیه انقلاب اسلامی و دوم؛ تلاش برای نشان دادن نقاط افتراق عقیده در مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند انقلاب اسلامی. که هر دو جنبه کمکی است به نسل حاضر جهت بررسی فرآیند تکوین اندیشه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و بازگشت به ارزش‌های اصیل انقلابی که بازخوانی ارزش‌ها و نهادهای سیاسی-اجتماعی برآمده از انقلاب را آسان‌تر خواهد ساخت. روش این پژوهش روش مقایسه‌ای است و تلاش می‌شود با این روش شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه شهیدان بهشتی و مطهری در فرآیند انقلاب اسلامی مشخص شود. پژوهش‌های تطبیقی به نوع خاصی از مقایسه واحدهای کلان اجتماعی توجه دارند که هدف آن تبیین واقعیت‌های کلان اجتماعی است. به‌علاوه پژوهشگران تطبیقی تمرکز خود را بر وقایع خاص تاریخی و علی می‌گذارند از دیگر ویژگی‌های این روش پژوهشی عبارت است از تفسیر تاریخی امور، بررسی موردی و مقایسه کلیت‌ها (معدن کار و کاکیا، ۲۰۱۰: ۳۳).

## پیشینه پژوهش

در میان آثار نگاشته شده در خصوص انقلاب اسلامی تعدادی از آثار قلمی به موضوع نسبت مفاهیم مربوط به انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دو متفکر شهید آیت‌الله بهشتی و استاد مطهری پرداخته‌اند اما از یک طرف با عنایت به تازه بودن مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی در بین قشر دانشگاهی و نیز غایب بودن مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی در بین آثار تولید شده در خصوص انقلاب اسلامی ایران موضوع مورد

پژوهش در این مقاله تا حد بسیار زیادی نو و بدیع است. اما با این وجود به برخی از آثار تولید شده در این خصوص اشاره می‌شود:

- تبیین منطق درونی چرایی تحقق وقوع انقلاب اسلامی ایران در اندیشه سیاسی شهید بهشتی نوشته کوثر طوسی، محمدحسین جمشیدی و فاطمه طوسی نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از مدل بحران اسپریگنز به تبیین چرایی وقوع انقلاب از منظر شهید بهشتی بپردازند با وجود تلاش برای تبیین چرایی وقوع انقلاب نویسندگان مقاله فوق اولاً توجهی به اندیشه‌های شهید مطهری نکرده‌اند و با وجود تلاش برای استفاده از نظریه بحران اسپریگنز در حوزه روش به قالب کلیشه‌ای توصیفی - تحلیلی قناعت کرده‌اند.

- مقایسه دیدگاه‌های شهید بهشتی و شهید مطهری درباره مبانی آزادی منور منصوری و عباس توان در این مقاله با تکیه بر مفهوم آزادی به‌عنوان یکی از آموزه‌های کلیدی گفتمان انقلاب اسلامی سعی دارند اثبات کنند مفهوم آزادی امری درون‌گفتمانی بوده و در اندیشه شهید مطهری صبغه‌ای اجتماعی و در اندیشه شهید بهشتی صبغه‌ای سیاسی - اجتماعی دارد. این مقاله اولاً با تکیه بر مفهوم تک‌بعدی آزادی سایر ابعاد اندیشه دو شهید را نادیده گرفته است و ثانیاً با غفلت از مفهوم انقلاب و چگونگی تحقق آن با مفاد این پژوهش فاصله بسیار دارد.

- کتاب پیرامون انقلاب اسلامی اثر استاد شهید مرتضی مطهری شامل مجموعه سخنرانی‌ها و یادداشت‌های ایشان است که به مواردی مانند آزادی و ماهیت و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی به همراه نگاهی به ماهیت جمهوری اسلامی سعی دارد در نگاهی سه‌گانه به تحلیل عوامل دخیل در انقلاب اسلامی بپردازد.

## چارچوب نظری

### تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

#### ایدئولوژی

مفهوم ایدئولوژی ترکیب دو کلمه «ایده» به معنای فکر و نظر و «لوژی» به معنای شناخت است (اخوان مفرد، ۲۰۰۰: ۲۷). واژه ایدئولوژی را از دیدگاه‌های مختلفی تعریف نموده‌اند. به قول ژان بشلر: «تمامی تعریف‌های ایدئولوژی الزاماً دلخواهانه است». وی کارکرد ایدئولوژی را چنین بیان می‌کند: «معیاری به دست می‌دهد تا شخص دوست را از دشمن بازشناسد، شهوات را پرده‌پوشی نماید و اخلاق را به خدمت سیاست بگیرد، رذالت را به فضیلت بدل سازد و به عمل سیاسی، ساده و شفاف و به‌صورت تام و کامل درآورد. پس ایدئولوژی امری بی‌فایده نیست که آن را ناشی از شرارت و یا بلاهت بشر بدانیم. ایدئولوژی یکی از عناصر ضروری عمل سیاسی است» (نصری: ۱۹۹۸). به‌علاوه در جامعه‌شناسی سیاسی این مفهوم به معنای نظامی از ایده‌ها مورد مطالعه است که توان ایجاد ظرفیت‌هایی برای همبستگی اجتماعی و همچنین کنترل و تحریک آن را دارد. مارکسیست‌های اولیه روی خوشی نسبت به ایدئولوژی نشان نداده

و عموماً با نگاهی تحقیرآمیز به آن پرداخته‌اند (کندری، ۱۹۹۸: ۱۸۷-۱۸۶). پاره‌تو، سه سطح را برای ایدئولوژی متصور است. سطح اول که بسیار انتزاعی است مربوط به افکار شخصی رهبر است. سطح دوم از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که با استدلال‌های پیروان و حلقه‌های اولیه متصل به رهبر و یا رهبران تبیین می‌گردد و سطح آخر ساده و قابل فهم برای توده مردم می‌باشد (حسینی، ۲۰۰۲: ۱۴۵). در اندیشه اسلامی ایدئولوژی در این‌همانی با «دین» و «مکتب» معنا می‌شود (نصری، ۱۹۹۸). استاد مطهری ایدئولوژی را همان مکتب دانسته و معتقد است انسان به‌عنوان عضو یک جامعه می‌باید پیرو یک مکتب بوده و به آن ایمان داشته باشد (مطهری، ۲۰۱۱: ۵۳). بنابراین ایدئولوژی همان دین یا مکتب است و به مجموعه‌ای از بینش‌ها، جهان‌بینی، خدانشناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی، گفته می‌شود که شامل دستورهایی برای رفتار در زندگی فردی و اجتماعی و چگونه بودن و چگونه زیستن است» (مطهری، ۲۰۱۱ الف: ۲۳۲). نقش ایدئولوژی در تفکرات اندیشمندان اسلامی به آموزه‌های وحیانی قرآن کریم، محدود نیست و می‌تواند انسان را دگرگون ساخته، مسیر زندگی و شخصیت او را عوض کند (مطهری، ۲۰۱۰: ۱۷۹).

#### رهبری

رهبر در لغت به معنی راهنما، پیشرو، پیشوا و امام تعریف شده است (دهخدا، ۱۹۹۸، ج ۸: ۱۲۳۲). در جامعه‌شناسی سیاسی رهبر نقشی اساسی در روند تحولات سیاسی- اجتماعی دارد. و با آگاهی‌بخشی، توده‌های مردم را بسیج کرده و به تحرک وادار می‌دارد؛ بنابراین رهبر در قبال مردم به فعلیت درمی‌آید. جان فوران رهبران را دارای نقشی منحصر به فرد در انقلاب دانسته و تبیین اندیشه‌ها، آرمان‌ها و سازماندهی توده‌ها را از کارکردهای رهبری می‌داند (جمشیدی، ۲۰۱۱: ۱۲۸-۱۲۷). اساس رهبری را اقتدار و نفوذ تشکیل می‌دهد، همچنین نفوذ بر مردم، قدرت هدایت و مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی جامعه، علاقه قلبی توأم با اعتماد متقابل رهبر و مردم و هم نظری برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف مشترک از دیگر نکات مهم در رابطه بین رهبر و مردم، برشمرده شده است (عیوضی و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۱). در میان نظریات رهبری در علوم اجتماعی «رهبری کارزماتیک» ماکس وبر، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. این نظریه که از «نظریه اقتدار» وی نشأت یافته است، اقتدار و تأثیرگذاری رهبری کارزماتیک را در ویژگی‌های شخصی رهبر و به تبع آن حمایت‌ها و همراهی توده‌ها را نیز براساس نوعی رابطه عاطفی و غیرعقلانی و البته مولود شرایط اضطراری تبیین می‌کند (یزدخواستی و همکار، ۲۰۱۴: ۱۴۴-۱۴۳). پس از انقلاب اسلامی تلاش‌هایی برای تطبیق عنصر رهبری در انقلاب مبنی بر این نظریه انجام شده است و با برشمردن ویژگی‌های منحصر به فرد امام خمینی(ره) تبعیت مردم را از ایشان مبتنی بر کاریزما دانسته و موضوعیت دینی و مرجعیت را نیز در تعریفی موسع از کاریزما بررسی کرده‌اند (حسینی، ۲۰۰۲: ۱۴۳-۱۴۰). اما برخی از پژوهشگران انقلاب اسلامی برای تبیین نقش رهبری در انقلاب اسلامی، کارکردهای متفاوتی برای رهبری در پیشبرد اهداف و آرمان‌های انقلابی در طی فرایند وقوع و پیامدهای حاصله از

انقلاب در ایران به رشته تحریر در آورده‌اند. آن‌ها معتقدند پذیرش رهبری کارزماتیک به معنای زدودن عقلانیت از کنشگران اصلی تحولات اجتماعی یعنی مردم و رهبری بوده و با اشاره به آرای اندیشمندانی چون شهید مطهری، ارزش‌های انسانی مانند «عقلانیت»، «فطرت»، «طرحریزی عقلایی» و «گرایش‌های عالی معنوی و الهی» را حلقات مفقوده در نظریه رهبری کارزماتیک و بر برای تبیین انقلاب اسلامی می‌دانند (شکری و همکاران، ۲۰۱۲: ۶۶-۶۴).

### تشکیلات (حزب)

برای تعریف مفهوم حزب سیاسی می‌توانیم آن را گردهمایی مردمی بدانیم که درباره برخی مسائل نظرات مشترکی دارند برای دستیابی به اهداف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند (عالم، ۲۰۱۰: ۳۴۳). چنین تعریفی از حزب زمانی مصداق عینی می‌یابد که ما برای احزاب سیاسی ماهیتی دموکراتیک قائل شویم در صورت کناره‌گیری از مفهوم متصلب یک حزب سیاسی که غالباً مدنظر ساختارهای سیاسی تک‌حزبی است بایستی احزاب سیاسی را چرخ دنده‌های دموکراسی به حساب بیاوریم (عالم، ۲۰۱۰: ۳۴۵). از منظر دموکراسی‌های مدرن می‌توان کارویژه‌های متعددی برای احزاب سیاسی در نظر گرفت مواردی مانند: تجمیع منافع و سیاست‌ها، کسب قدرت و ... از کارویژه‌های یک حزب سیاسی در دوران مدرن محسوب می‌شوند (فیرحی، ۲۰۱۷: ۴۰-۴۱). این پدیده سیاسی مدرن باید در کنار وظایف خویش مشخصه‌های گوناگونی نیز داشته باشد تا بتواند وظایف خویش را به خوبی انجام دهد. این شاخصه‌ها عبارتند از:

- ثبات قابل توجه: به معنای داشتن نظم درون و برون سازمانی که نوسان سیاسی را در نظام حزبی یک کشور به حداقل می‌رساند.
- داشتن ریشه اجتماعی: که شامل برخورداری احزاب و تشکیلات سیاسی از پشتوانه اقشار مختلف مردم یک جامعه است.
- مشروعیت سیاسی: این اصلاح به معنای این است که اکثریت فعالان سیاسی مشروعیت احزاب و تشکیلات سیاسی را تأیید کنند.
- سازمان سیاسی: می‌توان این شاخصه حزب را اصلی‌ترین ویژگی این مفهوم سیاسی دانست (فیرحی، ۲۰۱۷: ۴۳-۴۴-۴۵).

امروزه مفهوم حزب به حدی در فرهنگ سیاسی اهمیت یافته است که نمی‌توان بدون داشتن یک سازمان حزبی سالم و کارآمد هیچ حکومتی را دموکراتیک نامید ذکر این نکته نیز لازم است که مفهوم حزب و تشکیلات سیاسی علاوه بر این که یک مفهوم مدرن است ریشه‌هایی نیز در الهیات سیاسی اسلامی دارد به نحوی که واژه حزب و مشتقات آن ۲۹ بار در قرآن کریم تکرار شده و ۷ بار به صورت مفرد و ۱۱ بار به شکل جمع به کار رفته است (فیرحی، ۲۰۱۷: ۹۱). با این حال مفهوم حزب در نزد بسیاری از فقها از یک بار معنایی منفی برخوردار بوده است (همان: ۹۶). با عمومیت یافتن این معنا از حزب سیاسی بسیاری از علما نسبت به آن نگرشی منفی داشتند اما این نگاه دیری نپایید و با پیدایش مشروطه در ایران

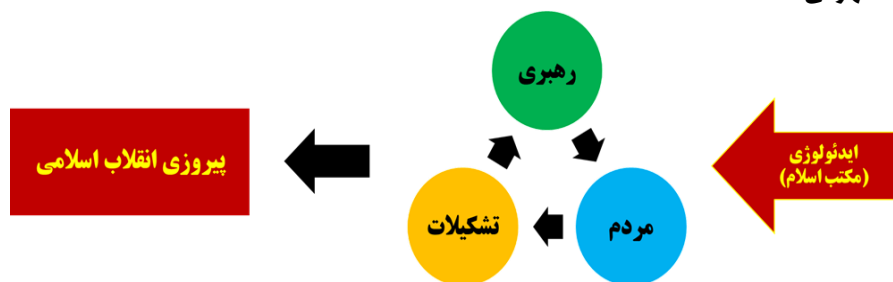
و تشکیل انجمن‌های گوناگون کلید تشکیل احزاب در ایران معاصر زده شد (ویکی فقه: مدخل واژه حزب). با تأسیس نخستین احزاب سیاسی در ایران این مسئله به‌عنوان یکی از ملزومات حوزه موضوع‌شناسی در فقه شیعه مطرح شد تا این که پس از انقلاب اسلامی نوبت به تأسیس حزب جمهوری اسلامی به سرمداری مرحوم آیت‌الله بهشتی رسید. وی در جزوه «عملکرد یکساله حزب جمهوری اسلامی» یکی از عوامل تشکیل این حزب را فقدان وجود یک تشکل سیاسی برای روحانیت علی‌رغم رهبری نهضت‌های گوناگون سیاسی اجتماعی توسط آن می‌داند (بهشتی، ۱۹۸۰: ۵-۶). پس از رویارویی جامعه ایرانی با مفاهیم وابسته به مدرنیته همچون تحزب و لزوم ایجاد تشکیلات سیاسی برای اداره جامعه به‌ویژه پس از عصر مشروطه و متعاقب آن پیروزی انقلاب اسلامی نگرش روحانیت و رهبران انقلاب در خصوص لزوم تأسیس یک حزب سیاسی مشخص تغییر نمود.

### مردم

پس از وقوع انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م مردم که تا پیش از آن در سیاست جایگاهی نداشتند به عنصر مهمی در عرصه‌سیاسی تبدیل شدند. در تعریفی که از دموکراسی در جهان مدرن ارائه شد مفهوم حاکمیت سیاسی مردم اهمیت خاصی دارد به گفته یکی از مؤلفان معاصر: در ریشه تمام تعاریف دموکراسی هر چند هم پیچیده باشند ایده وضعیتی نهفته است که در آن قدرت و اقتدار متکی به مردم است؛ معمولاً چنین تصور می‌شود که این قدرت یا اقتدار سیاسی است و به همین جهت به شکل ایده سیاست عامه پنداشته می‌شود به این معنا که مردم مرجع اقتدار سیاسی می‌باشند. بنابراین مقصود از دموکراسی یا حاکمیت مردم بهتر درک می‌شود و می‌توان گفت یگانه منبع نهایی اقتدار سیاسی در عصر جدید مردم هستند. دموکراسی به معنای دولت نمایندگان اکثریت مردم است (رحمانی، ۲۰۲۱: ۲۱). ساختار سیاسی مردم‌سالارانه همچنین متضمن مشارکت سیاسی است که شامل حضور مردم در فرایند گزینش رهبران است (رحمانی، ۲۰۲۱: ۲۱). البته تأکید غرب بر اثرگذاری مردم در عرصه سیاسی به‌ویژه در هنگام وقوع انقلاب‌های بزرگ به معنای این نیست که فرهنگ سیاسی کشورهای اسلامی که برآمده از قرآن و سنت نبوی است به نقش مردم بی‌توجه بوده است بلکه وجود اشاره‌های قرآنی به نقش مردم در حکومت مانند آنچه در آیه شریفه ۳۸ سوره مبارکه شوری شاهد آن هستیم: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» و یا آیه شریفه ۱۵۹ از سوره مبارکه آل عمران: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و نیز تأکید نبی اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) بر اصل مشورت به دلیل لزوم تربیت امت با آداب و رسوم اسلامی نشانگر تأکید بر نقش مردم در اداره جامعه است. هر چند در تشیع به دلیل تأکید بر مسئله الهی بودن منصب امامت این نقش محدود می‌شود اما باز هم نمی‌توان وجود قرائت‌های مردم‌محور از مدرن‌ترین محصول اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت یعنی نظریه فقهی - سیاسی ولایت فقیه را انکار نمود. به‌نحوی که شهید بهشتی به‌عنوان یکی از اعضای شاخص مجلس

خبرگان قانون اساسی حاملان اصلی مسئولیت و صاحبان اصلی حق در ایدئولوژی اسلامی انقلاب ۱۳۵۷ش را مردم می‌داند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۳۹). اگر از دریچه فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر به نقش مردم در اصلاح امور بنگریم خواهیم دانست که حقوق و وظایف مردم در اداره جامعه به‌مثابه یک امر سیاسی بسیار بیشتر است. بنابراین متعاقب آن حضور مردم در عرضه ظهور و تداوم انقلاب اسلامی مورد توجه نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی بوده است.

### مدل مفهومی



### یافته‌های پژوهش

نقش مؤلفه‌های چهارگانه ایدئولوژی، رهبری، تشکیلات و مردم در فرایند انقلاب اسلامی از

دیدگاه شهیدان بهشتی و مطهری

نقش ایدئولوژی

ایدئولوژی از دیدگاه شهید بهشتی

با توجه به اهمیت فرهنگ در تحقق انقلاب اسلامی هیچ یک از مؤلفه‌های چهارگانه فوق به اندازه مفهوم اسلام سیاسی برخاسته از تشیع انقلابی در برپایی انقلاب اسلامی مؤثر نبوده است به‌نحوی که شهید بهشتی سیاست را در خدمت تحقق آرمان‌های ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌داند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۹۰). به مدد چنین تفکری شهید بهشتی همه مسائل جامعه عصر انقلاب را در سایه ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌بیند و اولین اصل برای کارایی حرکت‌های تاریخی را نیز این می‌داند که این جنبش‌های سیاسی-اجتماعی دارای یک ایدئولوژی خوب باشند (بهشتی، چاپ دوم، ۲۰۱۱: ۲۳۸). زیرا ایدئولوژی اسلام‌سیاسی در عصر انقلاب مانند یک سیمان اجتماعی عمل می‌کند در حدی که می‌توان گفت یکی از بارورترین پیوندهای اجتماعی پیوند فکری-عقیدتی است که انسان‌های معتقد به یک مذهب و مسلک را به هم پیوند می‌زند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۳۴۳). شهید بهشتی ویژگی ایدئولوژیک بودن جامعه اسلامی در عصر وقوع انقلاب اسلامی را به رهبری انقلاب نیز تسری می‌دهد و یکی از ویژگی‌های زمامدار در عصر غیبت را پایبندی وی به قوانین اسلامی می‌داند (همان: ۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰). اهمیت ایدئولوژی در فرایند وقوع انقلاب

در حدی است که دکتر بهشتی اولین مرحله تحقق یک نهضت انقلابی را شامل ارائه یک ایده جدید به صورت محرمانه می‌داند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۷۷، ۷۸، ۷۹).

### ایدئولوژی از دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری ایدئولوژی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «ایدئولوژی یعنی آن سلسله از افکار و معتقدات اجتماعی یک شخص یا یک جمعیت و آیین که محور و مرکز سایر معتقدات دیگر و تعیین کننده و مشخص کننده هدف اوست و معیار ارزیابی او در مسائل مختلف دیگر است» (مطهری، ۲۰۱۱: ۴۱۰). از نظر وی، ایدئولوژی در دو نوع عام و گروهی مورد بررسی قرار گرفته است؛ ایدئولوژی عام که مختصات آن عبارتند از فطری بودن به نحوی که قائل به اخلاق، مذهب، هنر و فلسفه عام نوع بشر است و ایدئولوژی گروهی که مختص گروه و طیف خاصی است و از آنجا که اسلام مبتنی بر فطرت بشر است، ایدئولوژی اسلام از نوع عام و برای همه بشریت است (مطهری، ۲۰۱۱: ۶۶). این ایدئولوژی هدفی جز توحید ندارد و همه چیز آن در روح بندگی خلاصه می‌شود (مطهری، ۲۰۱۲: الف: ۹۹). از سایر ویژگی‌های ایدئولوژی اسلام، خصلت تهاجم به ظلم است. تأثیر این ویژگی در انقلاب را می‌توان بدین شکل بیان کرد: گاهی نارضایتی از وضع موجود وجود دارد و افراد یک جامعه آرزومند وضعی مطلوب برای برون‌رفت از شرایط موجود هستند، اما تنها با نارضایتی انقلاب ایجاد نمی‌شود و اینجا است که نقش مکتب‌ها مشخص می‌شود. اگر ایدئولوژی اجتماع، در برابر ظلم ایجاد شده، تسلیم، رضا و ظلم‌پذیری را ترویج نمود، انقلاب اتفاق نمی‌افتد اما اگر حس مبارزه و نفی وضع نامطلوب را ترویج نمود، انقلاب اتفاق می‌افتد. این ویژگی انقلابی در اسلام تحت عناوین «امربه معروف و نهی از منکر» و «جهاد و شهادت»، متجلی می‌شود (مطهری، ۲۰۱۰: ج: ۱۲۰-۹۰) و مسلمانان را در حال یک انقلاب مستمر و اصلاح‌جویی همیشگی و مبارزه پیگیر با فساد و تباهی قرار می‌دهد (مطهری، ۲۰۱۰: و: ۱۲۲). انقلاب اسلامی نه تنها قیامی علیه استبداد، استعمار سیاسی-اقتصادی، بلکه قیامی علیه فرهنگ، ایدئولوژی و وابستگی فکری به غرب، با بازگشت به هویت اسلامی مردم بود (مطهری، ۲۰۱۰: ح: ۳۹). در انقلاب اسلامی، ایدئولوژی اسلام، این انقلاب را در ردیف انقلاب‌های پیامبرانه قرار داده است. زیرا ریشه در مکتب ملت داشته و آنها با آگاهی از مکتب و آموزه‌های سعادت‌بخش آن، برای رسیدن به وضع مطلوب، یعنی استقرار مکتب‌اسلام بر روی زمین، قیام نموده‌اند (مطهری، ۲۰۱۰: ج: ۱۲۵).

### نقش رهبری

#### ویژگی‌های رهبری

#### رهبری از دیدگاه شهید بهشتی

با توجه به این‌که اندیشه سیاسی در اسلام عمدتاً بر ویژگی‌های فردی رهبر جامعه تمرکز داشته بهتر است وجوه تشابه و تمایز اندیشه‌های شهید مطهری و شهید بهشتی پیش از هر چیز در حوزه آن دسته از ویژگی‌هایی که رهبر یک جامعه باورمند به ایدئولوژی اسلام سیاسی بایستی دارای آنها باشد مشخص



شود. دکتر بهشتی به دلیل داشتن صبغه حقوقی در میان ویژگی‌های مدنظر خویش برای رهبر جامعه اسلامی پیش از هر چیز به مقوله عدالت اشاره می‌کند و آن را این گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

- عدالت به معنای میزان بودن هر چیز در زندگی که شاهد قرآنی آن عبارت: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» است. از منظر وی خداوند متعال در این آیه حضرت ابراهیم(ع) را خطاب قرار داده و منصب امامت را در ذریه ایشان از کسانی که ظلم در زندگی آنها راه داشته دور نموده است.
- دومین نوع عدالت بالاترین حد این خصیصه اخلاقی است که در امام معصوم(ع) موجود است (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۶۵).

وی مناسب‌ترین معیار برای تعیین میزان عدالت هر فرد را منصبی می‌داند که آن فرد برای اداره جامعه اسلامی بر عهده دارد (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۶۵). بنابراین زمامداران هم به تناسب شغل خویش به ملکه عدالت نیازمندند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۷۳). وی ملکه عدالت را چنین معنا می‌کند: «ملکه عدالت مانند ترمزی است که اگر فردی گناه کبیره بکند جلوی آن را می‌گیرد» (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۷۲). از آنجا که وی جامعه ایران را از نوع جوامع ایدئولوژیک می‌داند. دومین ویژگی رهبری در یک جامعه اسلامی عبارت است از پایبندی به مرام جامعه ایدئولوژیک (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۸۹)؛ زیرا از منظر شهید بهشتی در یک جامعه ایدئولوژیک رهبری در درجه اول نقش مربی و در درجه دوم نقش مدیر جامعه را ایفا می‌کند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۹۱). این مقدمه شهید بهشتی را واداشته که پایبندی به ایدئولوژی جاری در جامعه را مهم‌ترین ویژگی رهبری و آن را مترادف با عدالت مدنظر خویش بداند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۹۱). ویژگی دیگر رهبری تخصص در فقه که ابزار مورد نیاز رهبری جامعه را در اختیار وی قرار می‌دهد (همان: ۱۹۳). شهید بهشتی فقاقت و عدالت را مهم‌ترین ویژگی رهبر جامعه اسلامی می‌داند اما از سایر ویژگی‌های رهبری نیز غفلت نکرده است وی مدیر بودن را دیگر ویژگی لازم برای رهبر جامعه برآمده از انقلاب اسلامی به‌شمار آورده و آن را شامل آگاهی یک رهبر به فراز و نشیب‌های مسئولیت خویش می‌داند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۹۵)؛ وی از سایر ویژگی‌های تبعی رهبر جامعه اسلامی مانند مهارت، آگاهی و ابتکار در عرصه انجام وظیفه نیز غافل نمانده است (همان: ۱۹۴). همچنین وی تأکید بسیاری بر سجایای اخلاقی حاکم بر رفتار و زندگی رهبر جامعه اسلامی دارد به نحوی که ایمان به وحی الهی، داشتن آگاهی کافی از اسلام و هم سطح بودن زندگی وی با کم‌توان‌ترین اقشار جامعه را سجایای اخلاقی لازم برای رهبری جامعه اسلامی می‌داند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰). وی رهبر جامعه اسلامی را مشتاق‌ترین فرد برای استمرار ایدئولوژی جامعه می‌داند (بهشتی، ۲۰۰۹: ۳۷۹). می‌توان گفت تلاش شهید بهشتی جهت برشمردن ویژگی‌های فردی رهبری تلاشی است در جهت اخلاقی‌تر کردن سیاست.

### وظایف رهبری

وقتی جامعه‌ای طبق تعالیم اسلام ایجاد می‌شود نسبت بین مردم و رهبری در آن با دوگانه حقوق-تکالیف قابل تعریف است و این بدان معنا است که رهبر و جامعه حقوق و وظایفی در قبال یکدیگر دارند. شهید

بهشتی ضمن توجه به جایگاه رهبری و اختیارات متناسب با چنین جایگاهی در کنار سازنده دانستن نقش چنین رهبری در جامعه ایدئولوژیک اسلامی (بهشتی، ۲۰۱۷: ۹۴) وظایفی را در خصوص اداره جامعه برعهده وی می‌گذارد زیرا از منظر وی به‌عنوان یک اندیشمند مسلمان باب انتقاد از حاکم جامعه اسلامی باید باز باشد تا مردم وقتی یک نارسایی مشاهده می‌کنند با طیب خاطر و امنیت لازم آن را مطرح کنند (لکزایی، ۲۰۰۸: ۷۶). شهید بهشتی آهنگ حاکم بر جامعه اسلامی را تربیت می‌داند و نقش رهبری را هم نقشی تربیتی تعریف می‌کند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۹۱). از کلام شهید بهشتی هویدا است که وی به دوگانگی ناشی از حقوق و تکالیف برای رهبر جامعه اعتقاد دارد و آن را در برگزیده اجرای قوانین مصوب شده براساس اسلام می‌داند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۲۸۲). چنین وظیفه‌ای با هدف افزودن بر بار ایدئولوژیک جامعه اسلامی بر دوش رهبری نهاده شده است. در همین راستا رهبری و نخبگان جامعه بایستی مسئولیت‌های جامعه اسلامی را به‌دست افراد معتقد به اسلام بسپارند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۳۳). در حقیقت رهبر باید با استناد به مکتب و به‌واسطه پیوند با ملت ارتباط افراد جامعه را با یکدیگر منسجم کرده و آنها را در حوزه ولایت عقیدتی قرار دهد (بهشتی، ۲۰۰۹: ۳۴۵). در چنین جامعه‌ای است که مکتب در تمامی شئون زندگی افراد وارد می‌شود (بهشتی، ۲۰۰۹: ۳۹۰). بنابراین اصلی‌ترین وظیفه رهبری را اداره یک جامعه انقلابی براساس ایدئولوژی اسلامی است و در همین راستا به ترسیم آرمانشهر دلخواه خویش طبق معیارهای اسلامی می‌پردازد. جامعه‌ای که در آن رهبر نقش پیوند دهنده اعضا با باورهای ایدئولوژیک را بازی می‌کند.

### رهبری و انقلاب

درباره نسبت رهبری و انقلاب از منظر شهید بهشتی باید بگوییم که در گفتمان وی حزب نقش مرکزی دارد به‌نحوی که این عنصر اساسی از منظر ایشان در تمامی مراحل یک نهضت بارزترین نقش را بازی می‌کند اما وی بارزترین ویژگی حزب جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک تشکیلات اسلامی داشتن رهبر می‌داند (بهشتی، ۱۹۸۰: ۷-۸). این مسئله نشانگر این است که از منظر وی رهبری نقشی اساسی در پیشبرد اهداف نهضت در دوران انقلاب دارد. آن‌چنان‌که به تعبیر وی ایمان رهبری به ایدئولوژی خویش و بینش صحیح وی در برخورد با حوادث دو عامل مهم در پیروزی نهضت‌های انقلابی محسوب می‌شوند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۲۲۲-۲۲۶). بنابراین ولی فقیه مورد نظر شهید بهشتی در دوران پیش از پیروزی انقلاب باید به‌صورت توأمان بر پیروان خود رهبری فقهاتی-ولایتی داشته باشد (بهشتی، ۲۰۱۱: ۲۸۳). هر چند این وظیفه رهبری در دوران تبدیل جنبش به نهاد و یک نظام سیاسی-اجتماعی نیز نمود می‌یابد اما نمود آن در دوران پیش از پیروزی انقلاب بیشتر است.<sup>۱</sup> در حقیقت رهبری در دو مرحله آغاز و پایان جنبش انقلابی با استفاده از عنصر ایدئولوژی سیاسی پیروان خود را به یکدیگر پیوند می‌زند.

۱. نمونه بارز این ولایت توأمان را می‌توان در صدور فتوای تحریم سازمان مجاهدین خلق توسط امام خمینی(ره) در برهه زمانی پیش از انقلاب دید که موجب تحریم این سازمان توسط طیف وسیعی از نیروهای مبارز مذهبی شد.

## رهبری از دیدگاه شهید مطهری (ره)

### تعریف، ویژگی‌ها و وظایف رهبری

از دیدگاه شهید مطهری رهبری، مترادف با امامت و مفاهیم سیادت و هدایت نهفته شده در امامت است. همچنین سازمان دادن به قوای افراد و تحریک نیروها و اندیشه‌ها و تولید شوق و رغبت در آنها را جزء کارکردهای رهبری می‌داند (مطهری، ۲۰۱۰: ۵۷۷). می‌توان رهبر را واجد ویژگی‌هایی چون: توانمندی در تشخیص اهداف، برنامه‌ها و مسیرهای منتهی به اهداف، عدم تردید و دودلی و قاطعیت در تصمیم‌گیری، شهامت و شجاعت در اقدام و عدم هراس از عواقب احتمالی، آینده‌نگری با پیش‌بینی و دوراندیشی، برخوردار از سعه‌صدر و ظرفیت تحمل انتقادات، شناخت افراد و توانایی‌های آنان و تفویض اختیارات توأم با شخصیت دادن به پیروان، تلاش در رشد استعدادها و استفاده از ظرفیت‌های آنها، برخوردار از تعادل در مسائل فردی و صلابت در مسائل اصولی، پرهیز از استبداد رأی و بی‌انگیزه کردن دیگران در میل به اطاعت کورکورانه پیروان از خود توصیف نمود (مطهری، ۲۰۱۰: ۱۳۹).

### رهبری در اسلام

از منظر استاد، با ختم نبوت هدایت ختم نمی‌شود، ایشان نبوت را راهنمایی الهی و امامت را رهبری الهی می‌دانند و معتقدند برخی از پیامبران واجد هر دو شأن یعنی نبوت و امامت بودند (مطهری، ۲۰۱۱: ۲۸). با اشاره به نوع رهبری پیامبر اسلام (ص) ویژگی‌هایی چون: شنیدن صحبت دیگران و استفاده از رأی و نظر ایشان برای اتخاذ تصمیم‌های مقتدرانه و نرم‌خویی و عدم سختگیری به پیروان را بر می‌شمارد (مطهری، ۲۰۱۰ الف: ۲۴۴-۲۴۳)؛ و با استفاده از کلام امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه<sup>۱</sup>، ویژگی‌های اجتماعی رهبر را از دیدگاه دین مبین اسلام این‌گونه برمی‌شمارد: نظر به تمامی طبقات و گروه‌های جامعه خود داشته و از سطوح معیشتی ایشان باخبر باشد و زندگی و معیشت خود را با فقیرترین افراد جامعه تطبیق دهد (مطهری، ۲۰۱۱: ج ۱۲۰-۱۱۸).

### رهبری در انقلاب اسلامی

علامه شهید دو رکن اساسی هر انقلابی را مردم و رهبری می‌داند، مردمی که انقلاب می‌کنند با هدایت مبتنی بر تشخیص، زمان‌شناسی، القاء شعارها و اهداف رهبر است که توسط مردم پذیرفته شده است (مطهری، ۲۰۱۰: ج ۲۴۵). ایشان اثری متقابل در رهبری و انقلاب متصور است بدان معنی که می‌بایست امتیازاتی در رهبر باشد که انقلاب را به اوج برساند، همچنین خصوصاتی باید در انقلاب وجود داشته باشد که رهبر را با توجه به ویژگی‌های او، مطرح و بلامنازع کند؛ «می‌بینیم این رهبر جز منطق اسلامی هیچ منطق دیگری را به کار نبرده؛ پس همین خودش نشان می‌دهد که نهضت ما یک نهضت اسلامی بود، نهضت عدالت‌خواهانه بود ولی عدالت را در سایه اسلام می‌خواست، نهضت آزادی‌خواهانه بود آزادی را در

سایه اسلام می‌خواست، نهضت استقلال‌طلبی بود استقلال را در سایه اسلام می‌خواست، همه چیز را در سایه اسلام می‌خواست» (همان: ۸۹-۸۶).

وی ویژگی‌های خاص رهبری انقلاب اسلامی را در اسلام‌شناسی یعنی آشنایی کامل با اهداف، فلسفه اخلاقی و اجتماعی و سیاسی اسلام دانسته و معتقد است رهبر باید بر ایدئولوژی اسلام تسلط داشته باشد تا بداند چگونه می‌تواند خود و جامعه را مبتنی بر آموزه‌های دین ساخته و به حرکت درآورد (همان، ۷۵). همه این ویژگی‌ها را در رهبری انقلاب اسلامی و شخص امام خمینی (ره) برجسته نموده و امام خمینی (ره) را به همین سبب رهبری بلامنزاع که به‌طور خود بخود انتخاب شده است می‌داند (همان، ۸۵).

### نقش تشکیلات

#### تشکیلات از دیدگاه شهید بهشتی

می‌توانیم از این مفهوم به‌عنوان ابتکار کلیدی شهید بهشتی یاد کنیم. در حقیقت مفهوم حزب در اندیشه شهید بهشتی حائز اهمیت بسیاری است. وی به‌عنوان مؤسس حزب جمهوری اسلامی یکی از دلایل تشکیل حزب توسط رهبران یک نهضت انقلابی را لزوم حفظ آن می‌داند (بهشتی، ۱۹۸۰: ۵). چنین حزبی به‌طور کلی نقش بازوی اجرایی رهبری و جامعه ایدئولوژیک را برای جامه عمل پوشاندن به ایده‌های اصلی انقلاب بازی می‌کند. چنین تشکیلاتی از منظر شهید بهشتی دو ویژگی مهم دارد:

- داشتن انضباط آهنین.

- احساس وفاداری اعضا نسبت به رهبر انقلاب (بهشتی، ۲۰۱۱: ۲۹).

به این ترتیب شهید بهشتی مفهوم تشکیلات را با رهبری انقلاب پیوند می‌زند. ایده تشکیل یک حزب در راستای اهداف انقلاب تا آنجا در تفکر شهید بهشتی رسوخ کرده که وی نوعی انتخابات چند درجه‌ای سیستماتیک نظیر انتخابات درون حزبی را برای انتخاب رهبر جامعه اسلامی پیشنهاد می‌کند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۲۱۸). با عنایت به نگاه آزادی‌خواهانه شهید بهشتی به مفهوم تحزب نمی‌توان در این خصوص به سادگی قضاوت کرد (مصاحبه با سیدعلیرضا بهشتی). زیرا یکی از ویژگی‌های حزب مدنظر آیت‌الله بهشتی انحصارطلب نبودن آن است (بهشتی، ۱۹۸۰: ۱۱). با این وجود تشکیلات سیاسی - اجتماعی فراگیر در هر دوره از مراحل سه‌گانه نهضت وظایفی چون انتخاب محل مناسب برای فعالیت اولیه نهضت، برقراری انضباط تشکیلاتی در بدنه نهضت اسلامی و حل مسائل اساسی نهضت را بر دوش می‌کشد (بهشتی، ۲۰۱۱: ۸۵-۸۷). با توجه به تأکید شهید بهشتی بر اهمیت نقش حزب در فرایند انقلاب وی مواردی مانند تأکید بیشتر بر عمل‌گرایی، تقویت روحیه افراد و برخورد محبت‌آمیز با دیگران را از جمله راهکارهای بهبود یک تشکیلات اسلامی به شمار می‌آورد (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۱۶-۱۲۲). در پایان باید گفت اهمیت کار حزبی نزد شهید بهشتی به حدی است که وی حزب را معبد و کار حزبی در راستای انقلاب را نوعی عبادت می‌داند (بهشتی، ۲۰۰۹: ۱۲). اما نگاه تمرکزگرا و آزادی‌خواهانه نسبت به تشکیلات در آثار شهید بهشتی به یک اندازه مورد تأکید قرار گرفته است.

### تشکیلات از دیدگاه شهید مطهری

استاد مطهری حزب را پیوندی از روی آگاهی همراه با شناخت و تقسیم کار، بین گروهی از افراد تعریف نموده است و با اشاره به قرآن کریم<sup>۱</sup>، به دو نوع حزب معتقد است؛ «حزب الله» و «حزب الشیطان» و اعضا و پیروان هر کدام از آن‌ها را «جندالله» و «جندالشیطان» می‌داند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۹). ایشان حزب با ویژگی اسلامی را جزء ضروریات جامعه اسلامی تلقی می‌کند، اما معتقد است حزب نباید، جای مسجد را بگیرد، زیرا با حذف کارکرد مساجد، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر در جامعه اسلامی، به وقوع می‌پیوندد (مطهری، ۲۰۱۰: ج ۱۹۳).

حزب به معنای عام در نگاه تبیینی شهید مطهری، جایی ندارد، اما ایشان اعتقاد دارد که تشکیلات روحانیت در نهضت‌های اسلامی یک‌صدساله اخیر، نقش مهمی در آگاهی بخشی به توده‌ها داشته است. ایشان نهاد روحانیت را نهادی مستقل و متکی به قدرت خداوند سبحان و برخوردار از حمایت توده‌های مردم، دانسته که در طول تاریخ به رقابت با حاکمان زورمند و ظالمان، پرداخته است (مطهری، ۲۰۱۰: ۵۹) و هرگونه اصلاحی در جوامع اسلامی را منوط به همراهی سازمان روحانیت به‌عنوان رهبری دینی مسلمانان دانسته است (مطهری، ۲۰۱۰: ج ۱۸۷).

### نقش مردم

#### مردم از دیدگاه شهید بهشتی

در خصوص نگاه شهید بهشتی به نقش مردم در حکومت باید گفت که از منظر وی یک تشکیلات اسلامی باید متعلق به همه قشرهای اجتماعی باشد و از انحصارطلبی دوری کند (بهشتی، ۱۹۸۰: ۱۱). چنین نگرشی توسط آیت‌الله بهشتی موجب اهمیت بسیار انسان در اندیشه سیاسی وی شده است (بهشتی، ۲۰۱۷: ۶۳). البته این انسان‌گرایی به معنای تکیه مطلق بر عقل خودبنیاد بشر نیست. زیرا از منظر دکتر بهشتی اومانیزم اسلامی یعنی این که انسان خود سازنده محیط پیرامون خود باشد. وقتی به تفکرات شهید بهشتی می‌نگریم می‌بینیم که نگاه وی به مقوله نقش مردم در فرایند انقلاب چهره‌ای دوگانه دارد زیرا از یک طرف انسانیت انسان را وابسته به انتخابگری او می‌داند و به تقویت نقش مردم در حکومت انقلابی می‌پردازد (مصاحبه با سیدعلیرضا بهشتی) و از جانب دیگر معتقد است رأی اکثریت اگر براساس اصول اساسی نباشد ارزشی ندارد (بهشتی و همکاران، ج ۲: ۳۳۵). بنابراین باید گفت نگاه دکتر بهشتی به نقش مردم در حکومت علاوه بر این که پایه اسلامی دارد و بر اصلی چون امر به معروف و نهی از منکر بنا شده است (بهشتی و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۳۸). دارای جنبه‌ای انتقادی نیز هست زیرا در حکومت دینی اعمال حاکمیت و نقش مردم در حکومت از مجرای مورد قبول مکتب می‌گذرد.

۱. أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره مجادله آیه ۲۲).

### مردم از دیدگاه شهید مطهری

مردم به‌عنوان یکی از ارکان اصلی انقلاب‌ها<sup>۱</sup>، نقش اساسی را در وقوع و تداوم آنها دارند. وجه تمایز انقلاب از سایر دگرگونی‌های اجتماعی ماهیت مردمی آن است (مطهری، ۲۰۱۰: ج ۱۱۸). بنابراین انقلاب‌ها متکی بر مردمی هستند که از وضع موجود ناراضی‌اند و با امید به وضعیت مطلوب قیام می‌کنند (همان: ۱۲۵-۱۲۲). ویژگی مردم، ویژگی یا خوی عدالت‌خواهانه آنهاست. بدین معنی که اساساً مردم فارغ از این‌که چه مکتبی داشته باشند، در زندگی اجتماعی خود، عدالت‌خواه هستند (همان، ۱۰). بی‌تردید در انقلاب اسلامی ایران، نقش مردم بسیار پررنگ است. مردمی که با اتکا به اسلام و رهبری دینی از خودباختگی رها شده و به خودآگاهی و خودباوری در سایه هویت اسلامی رسیده و برای استقرار جامعه‌ای آرمانی بر پایه مکتب نجاتبخش اسلام (همان، ۷۱-۷۰)، فهمیدند دین از سیاست جدا نیست و مبارزه سیاسی وظیفه هر مسلمان است (مطهری، ۲۰۱۰: د: ۲۴). بنابراین درک و فهم از دینداری هر نوع سختی، رنج و مشقت را برجان خریدند و انقلاب را به پیروزی رساندند. پس کلیت مردم در این انقلاب حضور داشتند زیرا ماهیت انقلاب اسلامی و روح آن متشکل از هویت مشترک اسلامی همه اقشار و طبقات مردم از کارگر، کشاورز، کارمند، معلم، طلبه، دانشجو، شهری و روستایی تا کاسب و صنعتگر و... بوده است (همان، ۶۵).

### بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های ذهنی و مفهومی مؤلفه‌های چهارگانه ایدئولوژی، رهبری، تشکیلات و مردم از دیدگاه شهیدان بهشتی و مطهری

#### ایدئولوژی

نظر به این‌که هر دو اندیشمند از جهان‌بینی یکسانی نسبت به وقوع انقلاب اسلامی برخوردار بوده و در ماهیت این انقلاب متفق‌اند. ایدئولوژی به‌عنوان عمده‌ترین نقطه اشتراک در تبیین انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. به‌طوری‌که شهید بهشتی رهبری انقلاب را نیز متأثر از ایدئولوژی اسلامی دانسته و معتقد است حاکمان در عصر غیبت می‌بایست از ویژگی التزام به قوانین اسلامی برخوردار باشند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۴۵۰-۴۴۸). استاد مطهری نیز انقلاب ایران را انقلابی دینی و مبتنی بر آموزه‌های اسلام دانسته است (مطهری، ۲۰۱۰: د: ۶۵). خصلت انقلابی اسلام، همچنین رهبری روحانیت شیعه به‌ویژه شخص امام خمینی(ره) موجب آگاهی مردم و فهم و درک عمیق آنان نسبت به توانایی‌های خود و بازگشت به هویت دینی با تمسک به جهاد فی‌سبیل‌الله و ایثار و شهادت برای استقرار حکومت دینی زمینه قیام مردم و انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورده است (مطهری، ۲۰۱۰: ج ۱۲۵-۹۰).

با این حساب باید گفت شهید بهشتی بیشتر به جنبه اجتماعی ایدئولوژی اسلامی تأکید دارد زیرا معتقد است هدف نهایی اسلام ساختن یک جامعه نمونه است. در مقابل شهید مطهری بیشتر به ماهیت آگاه‌کننده ایدئولوژی اسلامی برای به ثمر رساندن انقلاب اسلامی تأکید دارد (همان، ۱۲۵).

۱. هر انقلابی دو رکن دارد: اول مردمی که باید انقلاب کنند، دوم رهبر یا رهبرانی که باید لحظه مناسب را تشخیص دهند و با اعلام شعارها و رهنمودهای مناسب انقلاب را هدایت کنند (مطهری، ۲۰۱۰: ج ۳۴۵).

### رهبری

رهبری در کارکردها و تأثیر بی‌نظیر آن در فرایند انقلاب اسلامی، از جمله نقاط اشتراک دیدگاه شهیدان بهشتی و مطهری است. برخورداری از ملکه عدالت، فقاقت، تدبیر و مدیریت از جمله ویژگی‌های موردنظر شهید بهشتی بوده (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۹۵)؛ که تطابق فراوانی با اندیشه شهید مطهری دارد. آنجا که علاوه بر ویژگی‌های عمومی رهبر؛ نظیر توانمندی در سازماندهی، شجاعت، مشورت‌پذیری و... (مطهری، ۲۰۱۰: ۱۳۹) معتقد است رهبری در انقلاب اسلامی واجد ویژگی‌های منحصر به فردی است که شامل برخورداری از رهبر اسلام‌شناس و آشنا با فلسفه، اخلاق، جهان‌بینی، انسان‌شناسی دین مبین اسلام است (مطهری، ۲۰۱۰: ج۷۵). بنابراین نقش رهبری آگاهی‌بخشی به مردم با ابتنا بر آموزه‌های اسلامی و تلاش برای انسجام و هدایت مدبرانه آنها برای وقوع انقلاب اسلامی و در مراحل بعدی حفظ آن است بر این موضوع در اندیشه تبیینی هر دو شهید تأکید شده است. رهبر باید با استناد به مکتب و به‌واسطه پیوند با ملت ارتباط افراد جامعه را با یکدیگر منسجم کرده و آنها را در حوزه ولایت و موالات قرار دهد (بهشتی، ۲۰۰۹: ۳۴۵). از سوی دیگر شاید بارزترین تفاوت دو متفکر شهید در خصوص نقش رهبری در فرایند شکل‌گیری یک انقلاب مردمی این باشد که شهید مطهری با وجود تمرکز بر روی رهبری این عنصر سیاسی را در فرایند انقلاب به‌عنوان بخش مرکزی یک حزب سیاسی نمی‌بیند اما شهید بهشتی رهبری را عنصری ناظر به تشکیلات اسلامی دانسته و مفهوم وفاداری به او را در سراسر تشکیلات یا حزب اسلامی ساری و جاری می‌بیند (بهشتی، ۱۹۸۰: ۷-۸). این نگاه موجب می‌شود که وی به‌وسیله حزب به تقویت نقش رهبری بپردازد. لکن شهید مطهری به‌واسطه تأکید بر لزوم حفظ نقش مساجد در انقلاب اسلامی پتانسیل سیاسی- اجتماعی حزب را مغفول می‌گذارد.

### تشکیلات

هر دو متفکر تشکیلات را برای انسجام بخشی به فرایند انقلاب و حتی بعد از آن ضروری می‌دانند. شهید بهشتی با توجه به دیدگاه خود معتقد به تحزب و کارکردهای حزبی در فرایند انقلاب و پس از آن است که این دیدگاه، منتج به تأسیس حزب جمهوری اسلامی گردید. لزوم حفظ انقلاب (بهشتی، ۱۹۸۰: ۵) از کارکردهای مدنظر شهید بهشتی برای حزب جمهوری اسلامی بیان شده است (بهشتی، ۲۰۱۱: ۲۹). اما شهید مطهری وجود تشکیلات را در نهاد روحانیت دیده و نقش آن در آگاهی مردم، انسجام آنها در فرایند انقلاب اسلامی را غیرقابل انکار دانسته (مطهری، ۲۰۱۰: ۶۹)، در مقابل تحزب دال مرکزی تفکرات شهید بهشتی است زیرا وی معتقد است حزب معبد و کارحزبی نوعی عبادت است (بهشتی، ۲۰۰۹: ۱۲). در مقابل شهید مطهری تشکیلات روحانیت را به جای حزب می‌نشاند و معتقد است که حزب هیچ‌گاه جای مسجد را در جنبش‌های اسلامی نمی‌گیرد.

## مردم

از نظر دو متفکر مردم حاملان اصلی مسئولیت و صاحبان اصلی حق در ایدئولوژی اسلامی انقلاب هستند (بهشتی، ۲۰۱۱: ۳۹) و نقشی اساسی را در وقوع و تداوم انقلاب‌ها داشته‌اند. وجه تمایز انقلاب‌ها از سایر دگرگونی‌های اجتماعی ماهیت مردمی آنها است (مطهری، ۲۰۱۰: ج: ۱۱۸). در انقلاب اسلامی نیز، مردم با اعتقاد به مکتب اسلام، برای استقرار حکومت اسلامی برپایه نظام امت و امامت، آگاهانه دست به انتخابگری زده‌اند (مصاحبه با سیدعلیرضا بهشتی). بنابراین همه طبقات و اقشار مردم، در فرایند انقلاب اسلامی ایران، حاضر (مطهری، ۲۰۱۰: د: ۶۵) و با اقتدا به رهبری امام خمینی (ره) این انقلاب را به ثمر رسانده‌اند. آنچه در خصوص تفاوت نگاه به مردم به‌عنوان یکی از عوامل پیروزی و استمرار انقلاب توسط این دو متفکر بزرگ حائز اهمیت بسیار است این است که شهید بهشتی به دلیل نگاه حقوقی - سیاسی خویش به مفهوم انقلاب در هنگام نهادمندی انقلاب اسلامی بیشتر به سمت مردم‌گرایی حرکت کرده و معتقد است رهبر جامعه باید قدرت خویش را از آراء مردمی بگیرد (بهشتی، ۲۰۱۱: ۱۵)؛ اما این طور به نظر می‌رسد که استاد مطهری به دلیل تأکید بر ویژگی‌های حاکم اسلامی کمتر بر آرای مردمی تمرکز می‌کند. هر چند این نسبت مطلق نیست زیرا به تعبیر شهید بهشتی آرای مردم در حکومت مکتبی از مجرای مورد قبول ایدئولوژی مقبول اجتماع می‌گذرد (بهشتی، ۲۰۰۹: ۲۹۱).

## نتیجه‌گیری

در پایان این پژوهش باید گفت علی‌رغم تفاوت‌ها در زاویه نگاه، مؤلفه‌های اصلی در فرایند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی از نظر متفکران شهید، بهشتی و مطهری، عبارتند از: دین به‌عنوان ایدئولوژی، رهبری به منزله آگاهی‌دهنده و سازمان‌دهنده و مردم به‌عنوان صاحبان و فاعلان این تغییر بنیادین نظام اجتماعی - سیاسی. به‌طوری‌که ایدئولوژی مهم‌ترین مؤلفه در فرایند انقلاب اسلامی بوده و سایر مؤلفه‌های مهم، متأثر از ایدئولوژی اسلام و باور به مکتبی که در درون خود ظرفیت‌های مهمی برای حکومت‌سازی و اداره جامعه را دارد، بسط و گسترش پیدا کرده‌اند. علی‌رغم این که فرضیه ابتدایی این پژوهش بیانگر شباهت دیدگاه‌های دو متفکر شهید در خصوص چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی است اما یافته‌های پژوهش مؤید این نکته است که تشکیلات یا تحزب نقطه کانونی افتراق نظر این دو اندیشمند است. شهید بهشتی معتقد به ضرورت تحزب به‌منظور دستیابی به اهدافی چون؛ حفظ انقلاب و ایفای نقش بازوی اجرایی رهبری و جامعه ایدئولوژیک برای جامه عمل پوشاندن به ایده‌های اصلی انقلاب با برخورداری از دو خصیصه انضباط و احساس وفاداری اعضا نسبت به رهبری انقلاب است. شهید مطهری تحزب را برای رشد سیاسی مردم ضروری می‌داند، اما در فرایند انقلاب سازمان روحانیت را دارای نقشی مهم برای ایجاد خودآگاهی مردم، با استفاده از شبکه مساجد، دانسته است و با تأکید بر نهضت‌های اسلامی یک‌صدساله اخیر جهان اسلام، معتقد است هیچ نهضتی در جهان اسلام بدون حضور روحانیت به ثمر نخواهد رسید.



بنابراین نقش روحانیت را به‌عنوان تشکیلات در مراحل مختلف فرایند و تحقق انقلاب اسلامی حتی بعد از پیروزی آن مهم عنوان کرده است.

جدول ۱: ویژگی‌های رهبری از منظر شهیدان بهشتی و مطهری

شباهت / تفاوت	دیدگاه متفکران		عناصر مورد مقایسه
	شهید آیت الله دکتر مطهری	شهید آیت الله دکتر بهشتی	
شباهت	توانمندی در تشخیص اهداف، برنامه‌ها و مسیرهای منتهی به اهداف، قاطعیت، شهامت، شجاعت، آینده‌نگری، سعه صدر، عدالت، مدیریت، فقاقت	عدالت، پایبندی به مرام و مسلک جامعه، تخصص در فقه، مدیریت، مهارت، آگاهی و ابتکار	ویژگی‌های رهبری انقلاب اسلامی
شباهت	خودسازی و جامعه‌سازی و حرکت جامعه بر اساس آموزه‌های دین	اداره یک جامعه انقلابی و ایدئولوژیک براساس مکتب و ایدئولوژی اسلامی	وظایف رهبری در انقلاب اسلامی
شباهت	هویت بخشی به مردم بر اساس آموزه‌های اسلام	وحدت بخشی ایدئولوژی سیاسی	نقش رهبری در انقلاب اسلامی

جدول ۲: شباهت و تفاوت دیدگاه متفکران شهید بهشتی و مطهری در مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار در انقلاب اسلامی

تفاوت‌ها	شباهت‌ها	متفکران
نقش تحزب	ایدئولوژی - رهبری - مردم	شهید آیت‌الله بهشتی(ره)
نقش تشکیلات روحانیت	ایدئولوژی - رهبری - مردم	شهید آیت‌الله مطهری(ره)

## References

- Akhwan Mofard, Hamidreza (2000). "Ideology in the theories of the ideology revolution, its concept and functions". Metin research paper, number 9.
- Alam, Abd al-Rahman (2010). *Public foundations of Politics*. Ch. 21. Tehran. Ni publication.
- Ayouzi, Mohammad Rahim; Fathi, Youssef (2018). "Leadership and social capital with an approach to the leadership of Imam Khomeini (PBUH)". Matin research paper, number 51.
- Beheshti, Seyed alireza Hosseini (2016). *Seven articles on the political thought of Martyr Beheshti*. Ch1. Tehran. Institutional Publications.

- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini (1980). *One-year performance of the Islamic Republic Party*, Tehran, Bina.
- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini (2009). *Islamic republic Party* (Tafadili Positions). Ch1. Tehran. Ayatollah Beheshti Publishing Foundation.
- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini (2013). *Fundamentals of the Constitution*. Ch. 4. Tehran. Foundation for Publishing the Works and thoughts of Ayatollah behesht.
- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini (2013). *Province, Leadership, Spirituality*. Tehran. Foundation for Publishing the Works and Thoughts of ayatollah beheshti.
- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini (2013). *Song of Monotheism*. Ch 7. Tehran. Ayatollah beheshti Publishing Foundation.
- Beheshti, seyed Mohammad Hosseini (2013). *Three types of Islam including the basic stages of a movement*. Tehran. Martyr Ayatollah Beheshti Publishing Foundation.
- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini (2013). *Union of Islamic Student Associations in Europe*. Tehran. Martyr Ayatollah Beheshti Publishing Foundation.
- Beheshti, Seyyed Mohammad Hosseini; Bahnar, Mohammad Javad; Golzadeh Ghafouri, Ali (2013). *Understanding Islam*. Ch2. Tehran. Ayatollah beheshti publishing Foundation.
- Firhi, daoud (2016). *Jurisprudence and party governance*, Tehran, Ni publication.
- Firhi, daud (2014). *Jurisprudence and politics in contemporary Iran*. Ch5. Tehran. Ni publication.
- Hosseini, Hossein (2002). *Leadership and Revolution*. Tehran, Research Institute of Islamic Revolution and Imam Khomeini.
- Jamshidi, Mehdi (2011). *The social foundations of the Islamic revolution in the theory of Allameh Morteza Motahari (RA)*. Tehran, Imam Sadegh University.
- Kendari, Mehran (1998). "Ideology". Culture Quarterly. Year twenty-two, number 9.
- Keshavarz Shukri, abbas; Ghafari, Zahid and Jamshidi, Mehdi (2013). "The nature of Imam Khomeini's (RA) leadership in the theory of Allameh Martyr Motahari (RA)". Scientific Quarterly - Research of Islamic Revolution Studies, Year 9, Number 29.
- Keshavarz, Hadi; Dehghan hossampour, Mehdi (2014). "Ideology and history (origins, attitudes, functions and examples)". New Tarikh Quarterly, Number 7.
- Lak Zaei, Sharif (2007). *Political freedom in the thought of ayatollah Motahari and ayatollah Beheshti*. Qom. Bostan Kitab Publications.
- Motahari, Morteza (1985). *Hamaseh hosseini*, Volume 2, Tehran, Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010). *Overview of movements of the last hundred years*, Tehran Sadra Publishing House.
- Motahari, Morteza (2010). *Revelation and Prophethood*, Tehran, Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010). *Society and History*. Tehran. Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010). *The Future of the Islamic Revolution*, Tehran, Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010A). *Acquaintance with the Qur'an*, Volume 13, Tehran, Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010A). *Acquaintance with the Qur'an*, Volume 14, Tehran, Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010A). *Acquaintance with the Qur'an*, Volume 3, Tehran, Sadra Publications.

- 
- Motahari, Morteza (2013). *Collection of works* (an introduction to the Islamic worldview), vol. 2, Tehran. Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2013). *De giftar*, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2013). *Imamate and Leadership*, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2013). *Professor's Notes*, Vol. 10, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2013). *Professor's Notes*, Vol. 11, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2013). *Professor's Notes*, Vol. 2, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2013). *Professor's Notes*, Vol. 4, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2018). *The purpose of life*, Tehran, Sadra Publications.
  - Motahari, Morteza (2018). *Unseen help in human life*, Tehran, Sadra Publications.
  - Nasri, Abdallah (1998). "Relationship between religion and ideology". Quarterly scientific research journal of qobsat field and religion. Number. 7.
  - Rahmani, Ali (2021). *A mystical view of the jurisprudential-political theory of the jurisprudence of the jurist in the age of occultation Qom*. Sabat al-Nabi Publications.
  - Yazdakhasi, Behjat; Ezzati, Mehdi (2013). "Comparative analysis of Weber's charismatic authority theory with the leadership role of Imam Khomeini in the Islamic Revolution". Scientific-Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, Year 11, Number 38.